

پیشخوان

خاطرات محسن پاک آئین از سفارت ایران در ۴ کشور

روایتی از «چهار مأموریت در پنج دولت»

■ شاهد توحیدی

اثری که هم اینک درصدد معرفی آن هستیم، در بردارنده خاطرات محسن پاک آئین سفیر سابق جمهوری اسلامی در کشورهای زامبیا، ازبکستان، تایلند و آذربایجان است که در دوره تصدی پنج دولت، انجام پذیرفته



است.این اثر به همت مرکز اسناد انقلاب اسلامی تدوین و نشر یافته است. تازمانی ناشر در معرفی نامه‌ای بر این اثر، نکات ذیل را مورد اشاره قرار داده است: «مرکز اسناد انقلاب اسلامی در راستای مستندسازی تاریخ روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران، اقدام به انتشار این کتاب کرده است، چراکه به تصریح مؤلف کتاب، نگارش خاطرات سفرا و ثبت وقایع دوران مأموریت یک سفیر – که همراه با انتقال تجربه و یافته‌های بارزش است- می‌تواند از ابعاد انسانی، آموزشی و اطلاعاتی مورد استفاده علاقه‌مندان و به‌خصوص دیپلمات‌های جوان قرار گیرد. خاطرات پاک آئین حاوی ناگفته‌های بسیاری از دوران مسئولیت او در کشورهای مختلف است. در این کتاب، خواننده با روایتی مستند از نقش جمهوری اسلامی در نابودی اپارتاید مواجه می‌شود و اطلاعاتی تازه درباره روابط سیاسی و اقتصادی ایران با دیگر کشورها به دست می‌آورد. خاطرات پاک آئین از بارزای که التیهاب در روابط تهران – باکو به اوج رسیده بود، بخش دیگری از مطالب خواندنی این کتاب است. کتاب خاطرات محسن پاک آئین در پنج بخش تدوین شده است. بخش اول شرح زندگی، خانواده و فعالیت‌های سیاسی راوی، در دوره قبل از پیروزی انقلاب اسلامی است. بخش دوم روایت پاک آئین از اولین مأموریت خود به عنوان سفیر



■ محسن پاک آئین، سفیر سابق ایران در کشورهای زامبیا، ازبکستان، تایلند و آذربایجان

جمهوری اسلامی در زامبیا طی سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۲ است. بخش سوم دربرگیرنده خاطرات راوی از دوره حضور در جمهوری ازبکستان است و بخش چهارم خاطرات سفیر ایران در تایلند طی سال‌های ۸۳ تا ۸۴ شامل می‌شود. سرانجام بخش پنجم حاوی ناگفته‌های محسن پاک آئین در دوره تصدی مسئولیت سفارت ایران در جمهوری آذربایجان است. مهم‌ترین ویژگی کتاب چهار مأموریت در پنج دولت، روایت مو به موی رویدادهاست. راوی ضمن بازگویی خاطرات، خواننده را از تحلیلی‌های خود نیز بی‌بهره نمی‌گذارد و این نکته‌ای است که در فهم وقایع، به مخاطب کمک می‌کند. همچنین پاک آئین در کتاب خاطرات خود، به معرفی جغرافیا، اقوام و آداب و رسوم کشورهای محل مأموریت خود می‌پردازد که در نوع خود خواندنی و شیرین است و از این منظر این کتاب بسان سفرنامه‌ای جذاب، خواننده را با خود همراه می‌کند. »

به نظر می‌رسد آثاری از این دست، عمل به توصیه ذیل آ مده رهبر معظم انقلاب اسلامی باشد که سفرای جمهوری اسلامی در کشورهای گوناگون را از کارهای شما به نظر من این است که تجربیاتتان را ثبت کنید. شما رفتید در فلان کشور دو سال یا سه سال یا پنج سال در این کشور مانده‌اید، مبالغ زیادی تجربه پیدا کرده‌اید، نفر بعدی شما باید بتواند از سطر سطر تجربه‌های شما استفاده کند. او دیگر نباید برود از صفر شروع کند. این سفرنامه‌هایی که غربی‌ها از ایران نوشته‌اند، خیلی از اینها منبع فعالیت‌ها و کارهای بعدی سیاستمداران و تجار و سیاحان بعدی شده است که نتوانسته‌اند از همین‌ها استفاده کنند. انسان می‌بیند دیگر خودشان آدرس می‌دهند. می‌گویند فلان مطلب مثلاً سیاحت‌نامه و آنچه از ایران نوشته‌شده است، اینها را دارد. این خیلی چیز مهمی است. ما اینها را باید ثبت کنیم، این تجربه‌های انباشته شده را بایستی نگه‌داریم…»



نگاهی به رویکرد فرهنگی استعمار در دو قرن اخیر برای استحاله فرهنگی مسلمانان

ممنوعیت حجاب آخرین گام فرمول چهارگانه استعمارگران

■ **انوشه میر معشری**
تا ریخ ۲۰۰ساله گذشته جهان، تصویری سیاه از استعمارگری کشورهای اروپایی و آمریکا و البته کمونیست‌ها به نوعی دیگر، پیش چشم انسان به نمایش می‌گذارد. تصویری که در آن رنج مردمان بسیاری از کشورهای قاره آفریقا و آسیا و همچنین کشورهای اسلامی لاتین، از ظلم و ستم شدید استعمارگران نمایان است. تصاویر بی‌تأراحت‌کننده‌ای که فقط به خاطر غارت منابع و چپاول ثروت کشورهای مستعمره، از سوی کشورهای یاغنی به ظاهر متمدن ایجاد شده است! البته باید توجه داشت که استعمارگران در طول پیش از دو قرن، برای رسیدن به اهداف خود تنها از روش نظامی، قتل و جنایت استفاده نمی‌کردند، بلکه در بسیاری از مواقع با روش‌های فرهنگی و تحمیل عقاید، آداب و رسوم و سبک زندگی‌شان به مردمان تحت سلطه، اهداف خود را دنبال می‌کرده‌اند. بررسی تاریخ معاصر کشورهای اسلامی و روند سلطه استعمارگران غربی و شرقی بر آنها، این مطلب را به مخاطبان نشان می‌دهد که گویی همه استعمارگران، فارغ از ملیت‌های متفاوت، گاهی بیش از روش‌های نظامی و سیاسی، از روش‌های فرهنگی استفاده کرده‌اند. در واقع آنها یک فرمول مشخصی را برای هویت زدایی و به ویژه دین‌زدایی از بدنه مسلمان آن کشورها به کار می‌برده‌اند تا بتوانند از روحیه جهادی و ضدسلطه مسلمانان بکاهند و بر آنها مسلط شوند. در مقال بی‌آنده این فرمول منبعث از روش فرهنگی استعمارگران برای سلطه بر کشورهای اسلامی را مورد بررسی قرار داده‌ایم. امید آنکه مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ غرب و دین‌زدایی از مردمان غربی

تا قرن ۱۶ و به رغم شروع دوره رنسانس، فرهنگ و اندیشه عمده مردمان کشورهای اروپایی، رنگ دینی داشت. کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها گرچه در جنگ باهم بودند، اما در رعایت مسائل دینی در زندگی روزمره و در عرصه اجتماع، با هم مشترک می‌نمودند. اما کم‌کم با قدرت گرفتن سرمایه داری و گسترش اندیشه «لیبرالیسم» در غرب، روز به روز پایبندی به اصول دینی در میان اقتشار ثروتمند و صاحب قدرت، کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شد. تا جایی که انقلاب صنعتی در انگلستان مانند انقلاب کبیر فرانسه، آداب و رسوم زیادی را در سبک زندگی عموم مردم این کشور



«

آتاتورک در طول ۱۵ سال حکمرانی ابتدا با دخالت مذهب و علمای دین در امر سیاست به شدت مخالف کرد. بعد دادگاه‌های اسلامی را حذف کرد و اختیار آن را به حقوقدانان درس خوانده در غرب داد. سپس مدارس مذهبی و مکتب‌های آموزش قرآن به کودکان را از بین برد و به جای آن، مدارس جدید به سبک غربی را جایگزین کرد و در آخر هم دستور ممنوعیت حجاب داشتن بانوان مسلمان را صادر نمود



تغییر داد و البته با گسترش انقلاب صنعتی در سایر کشورهای غربی، همان تغییرات در نقاط دیگر هم اتفاق افتاد، به طوری که در آستانه عصر جدید اروپا، سنت‌ها و قوانین حاکم بر جوامع غربی، مورد نقد فیلسوفان و منتقدان اجتماعی آکه عمده آنها پهلوی و ضد دین مسیحیت بودند!ا قرار گرفت. در آن دوره به دلیل رشد صنعت و ساخت کارخانه‌های متعدد در شهرها، مهاجرت‌های گسترده مردم از روستاها به شهر، در بسیاری از کشورهای اروپایی اتفاق افتاد و در نتیجه همین مهاجرت‌ها و تغییر سبک زندگی، به ویژه بعد از استخدام زنان کارگر در کارخانه‌ها علان بنیان خانواده در غرب با چالش‌های اساسی مواجه شد. تغییر در نحوه پوشش، حذف تدریجی حجاب از سسر زنان مسیحی اروپایی، گسترش کافه‌ها و مشروب فروشی‌ها و رواج روابط غواه اخلاقی در میان جوانان، رسماً هویت دینی جوامع مسیحی کشورهای اروپایی را به حد اقل رساند. همچنین در طول زمان، شعرا و جنبش‌هایی چون آزادی‌زنان، حقوق زنان و فعالیت فمینیست‌های ضد خانواده که در خدمت حکومت‌های سرمایه سالار غربی بودند، بیشتر و بیشتر در مرحله اول هویت دینی زنان و مادران جامعه غربی و به تبع آنها بدنه مردم را از بین برد.^(۱) این روش فرهنگی دقیقاً مدتی بعد، توسط احکامان زیادخواه و سرمایه سالار غربی، در کشورهای آسیایی، آفریقایی و سرخ پوستان آمریکا را آغاز کردند. اشغال خاک، تسلط نظامی، کشتار و غارت مستقیم منابع، اولین اقدام این استعمارگران خونریز بود. اما بعد از سال‌ها غارتگری مستقیم، با شروع حرکت‌های ضداستعماری به ویژه در کشورهای اسلامی، به فکر چاره افتادند. آنان بهترین راه استحاله فرهنگی مسلمانان را به وسیله ترویج تفکر غربی می‌دیدند و اجرای نقشه‌های فرهنگی خود توسط گماشتن یک دست نشانده در آن کشورها.^(۲) البته نکته جالب در اجرای استحاله فرهنگی مسلمانان، استفاده از یک فرمول مشخص بود. فرمولی که در تمام کشورهای اسلامی -با وجود متفاوت بودن ملیت استعمارگران- یکسان اجرا می‌شد. این فرمول شامل

چهار دستورالعمل اصلی بود:

۱- خارج کردن نظام اوقاف و دادگاه‌های اسلامی از دست روحانیون مسلمان.
۲- تعطیل کردن مکتبخانه‌های آموزش قرآن به کودکان و مدارس دینی.
۳- مبارزه با اجرای احکام اسلامی در جامعه مسلمانان.
۴- ممنوعیت حجاب بانوان مسلمانان و ترویج فساد. برای درک بهتر این موضوع، تنها کافی است به عنوان نمونه تاریخ دوره استعمار نو، شرایط چند کشور اسلامی را مورد بازخوانی قرار دهیم:

تونس:

کشور تونس که در شمال آفریقا واقع شده است، سال‌های طولانی از استعمار فرانسه رنج برد. در طول آن سالین منابش غارت شد و نیروی انسانی بسیاری را در مبارزه با استعمارگران از دست داد. البته با زیاد شدن قیام‌های ضداستعماری، دولت فرانسه که می‌دانست بهترین راه برای مقابله با قیام‌هایی اینچنین، گماردن یک دست نشانده اسلامگراها برداشت. سپس بعد از تکمیل صوری استقلال «تونس» را در تاریخ ۱۹۵۶م - به برابر با ۱۳۳۵ ش - به رسمیت شناخت و به این ترتیب «حبیب بورقیبه» - که به ظاهر فردی ملی‌گرا و خواهان استقلال بود - اولین رئیس جمهور تونس شد!ان هم رئیس جمهوری مادام‌العمر و هماهنگ با دولت فرانسه! او اندکی بعد از به دست گرفتن قدرت، ابتدا با از میان برداشتن اوقاف اسلامی، گامی مهم را در سست کردن بنیه اقتصادی اسلامگراها برداشت. سپس بعد از تعطیل کردن مدارس اسلامی، شروع به ممنوع اعلام کردن روزه ماه رمضان، مجاز اعلام کردن ازدواج زنان مسلمان با مرد غیرمسلمان و مبارزه با حجاب بانوان مسلمان کرد. سپس غیر از این موارد، شروع به امضای قراردادهایی با دولت فرانسه کرد که براساس آن استقلال اقتصادی تونس کاملاً از بین رفت!^(۳)

مهندسی نامقدس فرهنگی استعمار

با شروع دوره رنسانس و پیشرفت مادی در غرب، کشورهای اروپایی و البته بعدها شوروی، به دلیل رقابت و زیاده‌خواهی، استعمار دیگر کشورها را در پیش گرفتند و غارت منابع طبیعی و انسانی کشورهای آسیایی، آفریقایی و سرخ پوستان آمریکا را آغاز کردند. اشغال خاک، تسلط نظامی، کشتار و غارت مستقیم منابع، اولین اقدام این استعمارگران خونریز بود. اما بعد از سال‌ها غارتگری مستقیم، با شروع حرکت‌های ضداستعماری به ویژه در کشورهای اسلامی، به فکر چاره افتادند. آنان بهترین راه استحاله فرهنگی مسلمانان را به وسیله ترویج تفکر غربی می‌دیدند و اجرای نقشه‌های فرهنگی خود توسط گماشتن یک دست نشانده در آن کشورها.^(۴) البته نکته جالب در اجرای استحاله فرهنگی مسلمانان، استفاده از یک فرمول مشخص بود. فرمولی که در تمام کشورهای اسلامی -با وجود متفاوت بودن ملیت استعمارگران- یکسان اجرا می‌شد. این فرمول شامل

امپراطوری عثمانی بعد از سقوط عباسیان توسط مغول‌ها، شروع به قدرت‌گیری کرد. این امپراطوری طی سه قرن، توانست بخش قابل توجهی از آفریقا، شرق اروپا و منطقه بالکان، کشورهای فلسطین، لبنان، سوریه، عربستان و عراق کنونی را تحت سیطره خود درآورد. به همین دلیل استعمارگران انگلیسی به فکر نفوذ به این امپراطوری و تجزیه این کشور اسلامی افتادند. نقشه‌ای که پس از سال‌ها اختلاف افکنی و ایجاد فتنه دعوای غرب و ترک (دولت شاعرهای پان ترک‌سیم



مصطفی کمال آتاتورک (توسط)

در تک‌ها در آمد. به این شکل اسلام در کشورهایی چون: آلبانی، بوسنی و هرزگوین و بخش‌هایی از سرزمین اسلاوها گسترش پیدا کرد. اما با ضعف عثمانی‌ها - که در نهایت به فروپاشی امپراطوری شان انجامید- سرزمین‌های شرق اروپا از دست آنها خارج شد. به ویژه اینکه اتریشی‌ها توانسته بودند بخش‌های مسلمان نشین اروپای شرقی را تحت سلطه خود در آورند. اما با شروع جنگ جهانی در سال ۱۹۴۱م - برابر با ۱۳۲۰ ش- کل منطقه یوگسلاوی به اشغال آلمان‌ها درآمد. تا آن زمان مسلمانان بوسنی و هرزگوین، با وجود زندگی طولانی زیر سلطه کلیسای کاتولیک اتریشی‌ها و بعدها صرب‌ها، اعتقادات خود را حفظ کرده بودند. بانوان حجاب داشتند و کودکان در مکتب‌های آموزش قرآن، تعلیمات دینی می‌دیدند. با این همه در همان زمان اشغال، گروهی از مبارزان کمونیست به رهبری «تیتو» مبارزه خود را علیه اشغالگران آلمانی آغاز کردند. در این مقطع مسلمانان منطقه بوسنی و هرزگوین برای مبارزه با اشغالگران به ارتش کمونیست‌ها پیوستند، گرچه حتی در دوران مبارزه هم تبعیض و ظلمی آشکار علیه آنها از طرف صرب‌های کمونیست وجود داشت، ولی به هر حال با ورود متفقین به جریان جنگ، آلمان‌ها شکست خوردند و یوگسلاوی آزاد شد و به این ترتیب کمونیست‌ها توانستند بعد از جنگ به قدرت برسند. به هر روی در ابتدای دوره کمونیست‌ها، مسلمانان آزادی‌های نسبی به دست آوردند. اما بعد از سال ۱۹۵۲م «تیتو»- رئیس جمهور یوگسلاوی - ابتدا بر گزار ی مراسم و عقاید اسلامی، سپس فعالیت دادگاه‌های اسلامی و بعد حجاب را برای زنان مسلمان ممنوع اعلام کرد. در مرحله بعدی مکتب‌های قرآنی جهت آموزش کودکان و سپس انجمن‌های مذهبی و فرهنگی مسلمانان تعطیل شد. حتی در دوره کمونیست‌ها، تعدادی از قبرستان‌های مسلمانان به پارک و ساختمان‌های اداری و مسکونی تبدیل شد. در آن شرایط سخت و پیریزی انقلاب اسلامی در ایران، مسلمانان بوسنی و هرزگوین با علاقه اخبار مربوط به ایران را پیگیری می‌کردند. به ویژه که بعد از مرگ تیتو در سال ۱۳۵۹ ش، شرایط تجدید حیات مسلمانان آغاز شد.^(۵)

■ **ما و مهندسی معکوس فرهنگی**

ناگفته پیداست که این مهندسی فرهنگی از سوی انگلیسی‌ها در ایران ما نیز توسط پهلوی اول و دوم و با دستکاری روشنفکران غربیگر انجام شد، چنانچه همین فرمول دقیقاً در کشورهای مصر، لبنان، افغانستان و… هم اجرائی شد. اقدامی که خسارات مادی و معنوی بسیاری برای کشورهای اسلامی و امت اسلام به دنبال داشت و کشورهای اسلامی را به مناطقی سرسپرده و گوش به فرمان غرب با ضعیف، فقیر و بحسران زده تبدیل کرد. اما قطعاً این پایان ماجرا نبوده و نیست از برای بعد از وقوع انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) زمینه بیداری اسلامی در تمام جهان فراهم شد.

از آنجا که یکی از آرمان‌های مهم نظام جمهوری اسلامی، ایجاد تمدن طلایی دیگری در کل جهان اسلام و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت حجت(عج) است، به همین دلیل ابتدا بازگشت به اصل خود و باز یابی هویت دینی را از اهداف مقدماتی برای ایجاد این تمدن نوین اسلامی می‌دانیم. همچنین مبنا قرار دادن سبک زندگی دینی در تمامی شئون و پالایش اندیشه‌های لیبرالی و دهری از سطوح مختلف حیات فردی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی‌مان، از دیگر پیش نیازهای پایه‌گذاری این تمدن است. پس لازم است با «مهندسی معکوس فرهنگی روسی از فرمول نامقدس استعماری» به اصل خودمان برگردیم و «دین و اندیشه دینی را اصل تعیین سبک زندگی خود در تمام شئون قرار داد». «آموزش قرآن و معارف دینی به شکلی عمیق و مفهومی به کودکان و نوجوانان برای تربیت انسان‌هایی مقید و متدین»، «احیای فرهنگ وقف و مولدسازی اوقاف برای رشد تولید ملی و ارتقای وضع اقتصادی عموم مردم»، «بچاد دادگاه‌های عدل اسلامی» و مهم‌تر از همه «گسترش فرهنگ عفاف و حجاب به عنوان پرچم پیروزی اسلام بر شرک در میان همه جوامع اسلامی» اقداماتی است که در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی بسیار اهمیت دارد. از آنچه طی دو قرن قبل از دست دادیم را دوباره به دست آوریم.

■ **منابع:**

۱- دانشنامه فارسرور، مقاله «ترازوی استعمار در کشف حجاب»، دو ماهنامه حورا، شماره ۱۷، آذرودی ۱۳۸۴ ش.

۲- دانشنامه «دانش گستر»، جلد ۶، چاپ ۱۳۸۹ ش.

صص ۳۰۳ تا ۳۰۴

۳- ابراهیم ودیگران، محمد، «جنبش اسلامی تونس»، ترجمه جواد اصغری، مؤسسه اندیشه سازان نور، چاپ اول ۱۳۸۵ ش، صفحات ۱۲ تا ۲۳

۴- قاسمی، صابر، «ترکیه»، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول ۱۳۷۴ ش، صص ۱۴۱

۵- دانشنامه «جهان اسلام»، جلد ۶، زیر نظر غلامعلی حدادعسادل، چاپ اول ۱۳۸۰ ش، صص ۸۲- و- دایرة المعارف تشیع، جلد ۴، نشر شهید سعید محبی، چاپ اول ۱۳۷۵ ش، صفحات ۲۰ تا ۲۴- و- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، «تاجیکستان»، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول ۱۳۸۷ ش، صص ۲۵ و ۲۶

۶- «دانشنامه اقوام مسلمان»، جلد ۲، نوشته ریچارد ویکتر، ترجمه معصومه ابراهیمی و پیمان متین، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ اول ۱۳۸۵ ش، صص ۲۰۵- و- «دانشنامه جهان اسلام»، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، جلد ۴، چاپ ۱۳۷۷ ش، صفحات ۵۶۴ تا ۵۶۶ (مقدم)

بوسنی و هرزگوین)

۹ جوان

تاریخ ۸۸۶۹۸۴۳۷

پان عربیسم)، زمینه فروپاشی امپراطوری را فراهم کرد. به هر حال این فتنه‌گری‌ها بعد از جنگ جهانی دوم، به نتیجه مورد دلخواه انگلیسی‌ها منجر شد. بعد از فروپاشی امپراطوری عثمانی و تجزیه آن به دست استعمارگران انگلیسی، لازم بود دیگر هوس مقابل استعمار ایستادن، به ذهن و دل مسلمانان ترک نیفتد. برای همین با زوی کار آمدن «مصطفی کمال» معروف به آتاتورک، عین همین فرمول نامقدس به وسیله این مهره استعماری، در کشور نوپای ترکیه به اجرا گذاشته شد. به این شکل که وی در طول ۱۵ ساله که در قدرت بود، ابتدا با دخالت مذهب و علمای دین در امر سیاست به شدت مخالفت کرد. بعد دادگاه‌های اسلامی را حذف کرد و اختیار آن را به حقوقدانان درس خوانده در غرب داد. سپس مدارس مذهبی و مکتب‌های آموزش قرآن به کودکان را از بین برد و به جای آن مدارس جدید به سبک غربی را جایگزین کرد و در آخر هم در سال ۱۹۳۴م - برابر با ۱۳۱۳ ش- دستور ممنوعیت حجاب داشتن بانوان مسلمان را صادر کرد. البته حذف تقویم اسلامی و خط عربی و جایگزین کردن خط لاتین هم از دیگر اقدامات او بود.^(۶)

کشور تاجیکستان قرن‌ها جزئی از خاک ایران زمین بود، اما نفوذ روسیه تزاری بر این منطقه از سال ۱۳۴۵ ش، به شکل رسمی آغاز شد. در این زمان امیران بخارا به دلیل سرسگرمی به انواع فسادها و خودکامگی‌ها، به شدت ضعیف شده بودند و به همین علت وقفتی روس‌های تزاری در سال ۱۳۴۷ ش به خاک تاجیکستان فغلی حمله کردند، در کوتاه مدتی خجند و بخش شمالی رود زرافشان به اشغال آنها درآمد. در سال‌های بعد از آن نیز سربازان ارتش تزار توانستند تمام ارتفاعات پامیر تاجیکستان را به اشغال خود در آورند. با ورود روس‌های تزاری، ظلم و ستم بر مسلمانان تاجیک آغاز شد. ظلم و ستمی که چندین دهه بعد با قدرت گرفتن بلشویک‌های کمونیست در کشور تازه تأسیس شوروی، بیشتر و وحشیانه‌تر شد. هم رفتارهای ظالمانه بلشویک‌ها که نهایتاً موجب شد مردمان مسلمان تاجیک، علیه کمونیست‌ها دست به قیام بزنند. قیامی که رهبران بزرگی چون: «فضل خدوم»، «ابراهیم بیک» و «نور پاشا» داشت. روس‌ها به تحقیر، نام‌آیند جهادگران را «باسماچی‌ها» نامیده بودند، یعنی راهزنان! این قیام باعث شد حکومت کمونیستی شوروی، مبارزه مستمندی را برای از بین بردن اعتقادات اسلامی مردم تاجیکستان و فرهنگ غنی آنها چربی که در به طوری که با حمایت بلشویک‌ها در سال ۱۳۰۴.

ش «تحدایی بی‌دینان» - ملحدان- در این کشور تشکیل شد. این اتحادیه در طول سال‌های فعالیت خود در جنگ جهانی دوم، ۲۱۹ کتاب ضداسلامی منتشر و توزیع کرد. از طرف دیگر افراد وابسته‌ای از سپس غیر از این موارد، شروع به امضای قراردادهایی با دولت فرانسه کرد که براساس آن استقلال اقتصادی تونس کاملاً از بین رفت!^(۷)
ترکیه:
امپراطوری عثمانی بعد از سقوط عباسیان توسط مغول‌ها، شروع به قدرت‌گیری کرد. این امپراطوری طی سه قرن، توانست بخش قابل توجهی از آفریقا، شرق اروپا و منطقه بالکان، کشورهای فلسطین، لبنان، سوریه، عربستان و عراق کنونی را تحت سیطره خود درآورد. به همین دلیل استعمارگران انگلیسی به فکر نفوذ به این امپراطوری و تجزیه این کشور اسلامی افتادند. نقشه‌ای که پس از سال‌ها اختلاف افکنی و ایجاد فتنه دعوای غرب و ترک (دولت شاعرهای پان ترک‌سیم

شرعی را در تاجیکستان منحل کردند، چهار سال بعد از آن مکتبخانه‌ها و مدارس علمیه را تعطیل کردند و سپس تمام اموال و املاک موقوفه، از سوی حکومت شوروی مصادره شد. سپس نوبت بستن در مساجد شد، به طوری که از ۲۶ هزار مسجد تاجیکستان - که در سال ۱۲۹۷ ش- دایر بود- در سال ۱۳۲۱ ش. و هم‌زمان با جنگ جهانی دوم، تنها ۱۳۱۲ مسجد باقی مانده بود. البته با وجود تمام این سیاست‌ها مردم تاجیکستان محبت به اسلام را در قلوب خود زنده نگه داشتند و نسل و نسل و به رغم حاکمیت شدید خفقان، معارف دینی را سسینه به سسینه به فرزندان خود منتقل کردند. اما واقعیت این است که هویت دینی مردم تاجیکستان به خاطر آن اقدامات دچار خدشه شده بود.^(۸)

بوسنی و هرزگوین:

با گسترش قدرت امپراطوری عثمانی در شرق اروپا، بخشی از کشورهای امروزی این منطقه، که